

پیروزی ملت ایران در قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۰ ثابت کرد: با تکیه به اهرم فشار و کشتار، نمیتوان ملتی بپاخاسته را سرکوب کرد

نهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق رهبر جبهه ملی و پیشوای بزرگ ملت ایران، با پیروزی سرنوشت ساز بر استعمار انگلیس و ملی کردن صنعت نفت و انجام خلع ید از شرکت غارتگر نفت انگلستان و ایران، خسارات مالی و حیثیتی بزرگی برای دولت استعمارگری که معتقد بود " آفتاب در سرزمین های تحت نفوذش غروب نمیکند " وارد ساخت .

دولت " فخریه " که صاحب اصلی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بود برای اعاده حیثیت و قدرت ازدست رفته و سرکوب نهضت

ملی ایران به هر وسیله ای که ممکن بود متشیث می شد . او بخوبی میدانست که سرسپردگان و دست نشاندگانش در داخل کشور تا چه اندازه " سر بخت فرمان " هستند و ادامه حکومت ملی دکتر محمد مصدق چه زیانهای به آنها وارد میسازد . از این رو ابتدا بسراغ آنان رفت . دربارآلت دست و فرماندهان مزدور نظامی و کهنه سیاستمداران سر درآبشخور استعمار کهن را بهترین نیرو برای مبارزه با نهضت ملی ایران دانست و به تقویت آنان و دادن وعده های طلائی برای زندگی پس از شکست نهضت ملی پرداخت .

مجلس شورایملی که تنها نمایندگان تهران و معدودی از شهرستانها با رای واقعی مردم انتخاب شده بودند ، در دیگر نقاط کشور سر- سپردگان استعمار با زور سرنیزه و نفوذ مالکان و سرمایه داراندر آن راه یافته بودند از هرگونه سنگ اندازی و کارشکنی در راه اهداف نهضت و پیشوای بزرگ آن دکتر مصدق فروگذار نمیکرد . ایادی استعمار در گوشه و کنار کشور هر روز برای دولت مشکل آفرین بودند و در این میان ارتش وابسته به استعمار نقش حساسی را بر عهده داشت .

دکتر مصدق روز ۲۵ تیرماه به ملاقات شاه رفت و ضمن بحث درباره اعضای کابینه ، از شاه خواست که طبق قانون اساسی وزارت جنگ نیز تحت امر دولت و وزیر آن چون دیگر اعضای کابینه برگزیده شود . محمد رضا شاه که تمام نیروی خود را در ارتش متمرکز کرده بود و آنرا پایگاه قدرت خود میدانست ، در مقابل این درخواست قانونی دکتر مصدق ایستادگی کرد و حاضر به قبول آن نشد .

بهمین دلیل دکتر مصدق چاره ای جز کناره گیری نیافت و شامگاه همانروز کتبا از سمت نخست وزیری استعفا داد .

دربار فاسد و وابسته و نیز فرماندهان مزدور ارتش و دیگر کهنه کاران سیاست که منتظر چنین فرصتی بودند ، به حرکت درآمدند .

از سوی دیگر با آگاهی از خبر استعفا دولت مصدق ، مردم که همه آرزوهایشان را بر باد میدیدند ، یکپارچه به حال اعتراض درآمدند و در سراسر کشور بازارها بسته شد و مردم از هر طبقه و صنف به خیابان ها ریختند . در تهران ، خیابانهای منتهی به میدان بهارستان شاهد تجمع پر شور مردم بود و در شهرستانها هم برسم آن زمان ، مردم در تلگرافخانه ها متحصن شدند و با مخابره تلگرافی پیامهایشان به مرکز ، نارضایتی و خشم خودشان را نسبت به وضع پیش آمده اعلام میداشتند .

فرمانداری نظامی در تهران و شهرستانها با صدور اعلامیه های تهدید آمیزمردم را از شرکت در تظاهرات خیابانی بر حذر میداشت

ولی مردم بپاخاسته به این فرمانها و تهدیدها توجهی نداشتند و لحظه بلحظه بر تعداد تظاهرکنندگان که یکصدا شعار " یامرگ یا مصدق " را سرمیدادند افزوده میشد .

روز ۲۸ تیرماه نمایندگان غیر منتخب مجلس در نشست بدون حضور نمایندگان طرفدار نهضت ملی ایران ، به فرمان شاه رای تمایل به نخست وزیری احمد قوام (قوام السلطنه) دادند و او را به شاه معرفی کردند و شاه نیز فرمان نخست وزیری او را با عنوان " جناب اشرف " صادر کرد .

این انتصاب و صدور فرمان ، بر خشم مردم افزود و روز ۲۹ تیرماه تعداد تظاهرکنندگان در تهران و شهرستانهای بزرگ کشور به دهها هزار نفر بالغ میشد . قوام السلطنه ، این سرسپرده استعمار با صدور فرمانی با غلاظ و شداد با عنوان " کشتیبان را سیاستی دگر آمد " مردم را تهدید کرد که هرگونه مقاومتی را با زور اسلحه فرو خواهد نشاند .

روز سی تیر روز سر نوشت بود . مردم از جان گذشته اعم از کارگر و کشاورز ، دانشجو و روشنفکر ، پیشه ور و کارمند ، کسبه بازار و خیابانها ، زن و مرد در کنار هم به تظاهرات ادامه دادند . شعار اصلی آنان " از جان خود گذشتیم ، با خون خود نوشتیم ، یا مرگ یا مصدق " و " مرگ بر قوام " بود . فریاد " یا مرگ یا مصدق " مردم ، صدای گلوله های نظامیان را تحت الشعاع قرار میداد .

در خیابان اکباتان تهران ، جوانی که در اثر اصابت گلوله نظامیان بشدت زخمی شده بود با آخرین رمق با خون خود روی اسفالت خیابان عبارت " یامرگ یا مصدق " را نوشت و در پایان ، همانجا دنیا را وداع گفت .

درگیری بین تظاهر کنندگان و نظامیان تا بن دندان مسلح ساعت ها ادامه داشت و در خیابانهای مرکزی تهران دهها تن از مردم به خاک و خون کشیده شدند و به شهادت رسیدند . مقاومت رو با افزایش مردم باعث ایجاد تزلزل در ارکان قدرت شد و حتی بسیاری از سربازان فرمانداری نظامی با بر زمین گذاشتن سلاحهای خود ، به نیروهای مردمی پیوستند .

قوام السلطنه که باور نمیکرد مردم اینهمه مقاومت کنند و به تهدیداتش اهمیت نمیدهند ، چاره ای جز کناره گیری ندید و استعفایش را به شاه تقدیم داشت . و شاه نیز بناچار آن را پذیرفت و علیرغم میل باطنی اش دوباره زمام امور مملکت را بدست با کفایت دکتر مصدق سپرد .

مردم ، سرمست از پیروزی بدست آمده ، از سوئی با غم و اندوه بیکر مقدس شهیدانشان را در قطعه ای از گورستان ابن بابویه تهران به خاک سپردند از سوئی با برگزاری جشن های پیروزی ، به یکدیگر تبریک میگفتند .

هموندان حزب ملت ایران که همواره در مبارزات نهضت ملی ایران نقش موثر و بسزائی داشتند ، در این زمان هم پیشاپیش دیگر مبارزان به میدان آمدند بین زخمی شدگان ۳۰ تیر نام چند تن از آنان نیز به چشم میخورد .

انتخاب مجدد دکتر مصدق با یک پیروزی دیگر برای ملت ایران همراه شد و آن خبراعلام رای دیوان بین المللی لاهه مبنی بر عدم صلاحیت دادگاه در امر رسیدگی به شکایت دولت انگلیس در مورد ملی کردن صنعت نفت از سوی دولت ایران بود که بار دیگر حقانیت ملت ایران را در مبارزه با اسعمار و استثمار ثابت کرد .

به گواهی تاریخ ، هر رژیم و فرمانده خودکامه ای که بخواهد علیه خواسته ها و منافع ملت خود به اسلحه وزور مستولی شود سرنوشتی جز شکست و خواری نخواهد داشت . در دوران معاصر، هیتلر ها ، موسولینی ها ، پینوشه ها ، پول پوت ها ، میلوسویچ ها و علیرغم توحش و نسل کشی ، نتوانستند به اهداف خود برسند و با خفت و بدبختی عمر خود را به سر آوردند .

با آرزوی آنکه قدرت مبارزه مردم و بازخوانی زندگی ملالت بار دیکتاتور های بزرگ تاریخ درس عبرتی برای همه رهروان تاریخ راه استبداد باشد و قبل از آنکه دست انتقام مردمی گلویشان را بفشارد ، بسوی مردم بازگردند و اجازه ندهند قدرت پوشالی و مادی امکان زندگی شرافتمندانه در کنار مردم را از آنان بگیرد و به سرنوشت چوان خون آشامان تاریخ دچار شوند .

درود بر شهدای ۳۰ تیر و دیگر شهیدانی که درمقاطع مختلف تاریخ معاصر جان خود را در راه مبارزه با استبداد و خودکامگی از دست داده اند .

درود بروان پاک شهیدان حزب ملت ایران ، داریوش و پروانه فروهر پیشگامان مبارزات ملت - گرایانه علیه استبداد و استعمار .

دفتر اروپائی حزب ملت ایران

سی ام تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و نه